

گرچه با رسیدن بحث به رأی پایانی، نیازمند بررسی دلالتی سایر روایات مورد بحث، نیستیم، لکن به قصد استفاده در موارد مشابه دیگر و ملاحظه حال کسانی که روایت سکونی را سند یا دلالة قاصر می بینند و احیاناً از بقیه روایات می خواهند بهره برند، گفتگو را - با رعایت اختصار - پی می گیریم، بدین ترتیب:

ترمینولوژی بغض و حرمت

• نسبت به دلالت روایت دوم بر حرمت، ظاهراً آقایان مناقشه ای ندارند؛^۱ زیرا بغض و ناراحتی حضرت - علیه السلام - که «مع الحق است و یدور مداره حیثما دار» نمیتواند از امری حلال یا مکروه باشد؛ بنابراین کار این شخص حرام بوده و از باب اشتراک احکام، بر دیگران نیز حرام خواهد بود.

و احتمال این که شاید خصوصیت مورد، باعث بغض حضرت شده است، (مثلاً نحوه کسبش نامطبوع و ناخوشایند بوده) مانع استدلال به ظهور نیست؛ به ویژه که امام - علیه السلام - هیچ اشاره ای به خصوصیت مورد نمی فرمایند و با وجود دخل خصوصیت این نحوه بیان از امام - علیه السلام - خلاف حکمت خواهد بود.

البته با همه این مقدمات در دلالت این روایت و امثال آن^۲ بر حرمت فی النفس شیء. در گذشته نیز ما این تامل را داشته ایم.^۳ مگر دلالت این روایت را با روایات دیگر تمام کنیم. در ادامه در این باره گفتگو خواهیم کرد.

واضح است که در مجال حاضر به این روایت نیازمند نیستیم، هر چند برای فتوا به حرمت اخذ اجرت بر تعلیم قرآن بر فرض افتا به حرمت به این روایت نیازمندیم.

دلالت یا عدم دلالت سحت بر حرمت

• نسبت به دلالت روایت سوم و چهارم (روایت جعفریات و دعائم الاسلام با اخذ واژه «سحت») از دو جهت بحث است: دلالت بر حرمت اخذ اجرت و دلالت بر ضمان؟

باید گفت: غلبه آراء بر دلالت واژه «سحت» بر حرمت است تا کراهت.^۴ هر چند نادری از فقیهان چون محقق سبزواری آن را با کراهت قابل جمع می بینند.^۵ فتامل.

نسبت به دلالت بر ضمان مجال اختلاف آرا وجود دارد؛ شیخ انصاری در مجالی می فرماید: «و کون الهدیة من السحت انما تدل علی حرمة الاخذ لا علی الضمان...»^۶.

۱. ر.ک: مستند العروة الوثقی (کتاب الصلاة) ج ۲، ص ۴۱۷؛ همان، ج ۱۲، ص ۳۹۰؛ دراسات فی مکاسب المحرمة، ج ۲، ص ۵۱۲ و...

۲. مثلاً: عن ابی عبدالله - علیه السلام - : «ان الله یبغض الشہرتین: شہرة اللباس و شہرة الصلاة». مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۴۵.

۳. ر.ک: a-alidoost.ir خارج فقه مکاسب محرمة، سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷، جلسات ۵۲-۵۴.

۴. به مکاسب شیخ و حواشی ناظر بر آن مراجعه شود؛ همچنین ر.ک: جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۱۴۱ و ۱۴۹؛ همچنین دفتر

۱۰۰۱ نکته فقهی، ص ۱۷، واژه «سحت»؛ و ...

۵. کفایة الاحکام، ص ۸۴.

مطابق تحقیقی که در گذشته، صورت داده ایم، گفته ایم:

«بعد تصریح جمع من اللغویین بان السحت یرد فی الکلام علی المکروه مزّة و علی الحرام اخیری و یرتدل علیه بالقرائن کما فی اللسان و النهایة و تاج العروس ، فتامل^۷، و استعمالها کثیرا فی الروایات علی المکروه فلا یسمع دلالتها علی الحرمة و انها الاصل فیه و هو الظاهر فیها^۸.

بنابراین روایت سوم و چهارم سندا و دلالة مشکل دارد. قهرا نمی تواند ضعف دلالت بقیه روایت را نیز برطرف نماید.

- نسبت به دلالت روایت پنجم قطعا هیچ دلالت بر حرمت ندارد حتی اگر دارای مفهوم بود به این که کسی که در اذان طمعی می ورزد ، در قیامت صاحب حزن و در وقت صیحه فزع دارد. با این که اخذ چنین مفهومی قطعا ناموجه است .

پس روایت پنجم سندا و دلالة قابل استناد نیست.

روایت ملاحم و دلالت بر حرمت

- نسبت به دلالت روایت ششم باید گفت: در این روایت وامثال آن پدیده ها و واقعیت هایی پیشگویی و ذکر شده است؛ قهرا التزام به حرمت برخی از آن تعیینات ناصحیح، چنان که مواردی را در خارج می دانیم حرام است، بدون این که از صرف ذکر آن موارد، در این روایت به حرمت منتقل شده باشیم، بنابراین نمی توان در موارد مشکوک استفاده حرمت کرد؛ هر چند امام – علیه السلام – همه این موارد را به عنوان پدیده هایی نامیمون و غیرمبارک فرموده باشند که البته این فرضیه ثابت نیست. چنان که برخی موارد واقعیت هایی است حکم ناپذیر که البته مقدمات ایجاد آن دارای حکم بوده است. در این روایت از جمله امور ذکر شده، این است:
- «و رأیت البهائم یفرس بعضها بعضا ... و رأیت الناس ینظر بعضهم الی بعض ... و رأیت الآیات فی السماء لا یرفع لها احد»^۹. البته نمی توان فضای غالب بیان منکرات و حرمت را در روایت، نسبت به بخش ها و بندهای فرایندی حدیث (و نه برابندی آن) نادیده گرفت. این روایت می تواند منشا افتا به احتیاط باشد.

۶. کتاب المکاسب، آخر ص ۳۱.

۷. وجه تامل این است که روشن نیست مراد از گروه از لغوی ها از کراهت، کراهت اصطلاحی باشد بلکه مکروه نزد ایشان مقابل محبوب و مافیه مشقة و حرج است و قرار دادن آن مقابل حرمت، دلالت بر کراهت اصطلاحی ندارد، لکن به هر حال همین مقدار تصریح از ایشان مانع قول به ظهور لفظ «سحت» در حرمت خواهد بود؛ هر چند نتوان رای معینی را به ایشان نسبت داد.

۸. ر.ک: a-alidoost.ir خارج فقه مکاسب محرمة، سال تحصیلی ۱۳۸۴-۱۳۸۵ جلسه ۵۴.

۹. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ابواب الامر و النهی، باب ۴۱، ح ۶، ص ۲۷۸.